خبرها

انتشار ۱۸۶ تصنیف قدیمی به روایت دوامی

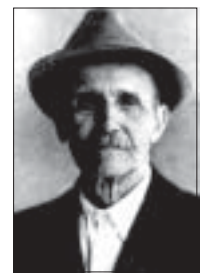

میراث خبر: تصنیف‌های قدیمی ایران با صدای محسن کرامتی به‌زودی انتشار می‌یابد. موسسه فرهنگی ماهور به دنبال چاپ نت و اشعار تصنیف‌های قدیمی ایران به روایت عبدالله دوامی مجموعه صوتی این قطعات را نیز منتشر می‌کند. این مجموعه شامل ۱۸۶ تصنیف است که با صدای محسن کرامتی در قالب پنج سی‌دی منتشر می‌شود. این مجموعه تصنیف‌های قدیمی ایران هستند که بخشی از آنها را استاد صبا و بخش دیگری را فرامرز پایور به صورت نت درآورده‌اند. کرامتی درباره این مجموعه می‌گوید: «برخی از این آثار توسط گروه‌های مختلف موسیقی اجرا شده است اما هیچ‌کدام دقیقاً همانی نیست که در کتاب و از قول دوامی به‌صورت نت درآمده است. آنها تغییراتی در اجرا به این تصنیف‌ها داده‌اند اما ما سعی کردیم که دقیقاً همان قطعات را اجرا کنیم.» در این آلبوم که با عنوان «۱۸۶ تصنیف قدیمی» به‌زودی به بازار می‌آید، پریسا کاشفی نوازنده کمانچه کرامتی را همراهی می‌کند. بخشی از این تصنیف‌ها پیش از این اجرا شده است. اما به گفته کرامتی در این مجموعه هنوز آثار بسیار زیبایی هستند که از دید هنرمندان پنهان مانده و کسی برای اجرای مجدد آنها کاری نکرده است. او در این باره می‌گوید: «تعداد کمی از تصنیف‌ها معمولی و حتی کوچه‌بازاری هستند. بقیه بسیار قوی بوده و ساختاری قوی دارند. بعضی‌ها اثر تصنیف‌سازان خوبی چون عارف و شیدا هستند و بعضی دیگر متعلق به سالار معزز و دیگران.» او ادامه داد: «اگر کسی به دنبال شنیدن تصنیف‌های قدیمی است این مجموعه بهترین مرجع برای او خواهد بود. ضمن اینکه برای موسیقیدانان و هنرجویان این رشته نیز کتاب نت و اشعار وجود دارد که می‌توانند با آنها کار کنند.» کرامتی با اشاره به اینکه تصنیف‌های جدیدی را در این مجموعه می‌شنوید، گفت: «چیزهای خوبی در این مجموعه هست که احتمال دارد بعدها به همراه یک گروه موسیقی این تصانیف زیبا را اجرا کنیم.»

ششمین دوره اردوی موسیقی ایرانی در آلمان

میراث خبر: ششمین دوره اردوی موسیقی ایرانی برای ایرانیان مقیم اروپا برپا می‌شود. این اردوی موسیقی ایرانی زیر نظر مجید درخشانی آهنگساز و نوازنده تار و سرپرست گروه موسیقی خورشید شهریورماه ۸۵ در شهر ماینس در حوالی بن در آلمان برپا می‌شود. کارگاه‌های آموزشی و کلاس‌های موسیقی با حضور استادان موسیقی ایرانی از برنامه‌های اردو است. مجید درخشانی درباره این اردو گفت: «شرکت‌کنندگان نوازندگان و یا خوانندگان خیلی حرفه‌ای نیستند. آنها ایرانی‌های مقیم اروپا هستند که به موسیقی ایرانی و فرهنگ ایران علاقه‌مندند و در این اردوی سه‌روزه دور هم جمع می‌شوند تا درباره موسیقی بگویند، بشنوند، ساز بزنند و بخوانند. طبیعتاً آنها خیلی حرفه‌ای نیستند و هدف ما هم برگزاری کارگاه‌ها یا دوره‌های حرفه‌ای نیست. تنها می‌خواهیم ارتباط آنها را با موسیقی ایرانی حفظ کنیم.» او ادامه داد: «در پایان هر دوره نیز شرکت‌کنندگان در اردو کنسرتی را با هم اجرا می‌کنند. ما سعی می‌کنیم تصنیف‌های دشوار که برای غیرحرفه‌ای‌ها اجرایش دشوار باشد انتخاب نکنیم.» مبلغی که هر شرکت‌کننده باید برای سه روز شرکت در اردو به همراه غذا و جای خواب بپردازد معادل ۸۰ یورو است. سال گذشته تعداد ایرانیان شرکت‌کننده به بیش از ۱۰۰ نفر رسیده بودند. درخشانی پیش‌بینی می‌کند امسال این تعداد باز هم افزایش پیدا کند. در میان ایرانیان علاقه‌مند به موسیقی بعضاً اروپایی‌ها هم به چشم می‌خورند که به واسطه علاقه به موسیقی و یا به همراه دوستان ایرانی خود در این اردو شرکت می‌کنند. درخشانی با اشاره به یک گروه موسیقی هلندی علاقه‌مند به ایران می‌گوید: «در این اردو اتفاقات جالبی می‌افتد. دانشجویان رشته‌های مختلف موسیقی و نوازندگان اروپایی هم شرکت می‌کنند. یک گروه موسیقی هلندی هر سال در این اردو شرکت می‌کند. آنها نوازندگان سازهای ایرانی هستند. سال گذشته یک برنامه موسیقی ایرانی هم در اردو اجرا کردند. حتی شعرهای فارسی را که معنای آن را به درستی نمی‌دانند حفظ می‌کنند و به صورت آواز ایرانی می‌خوانند.» در پایان اردو شرکت‌کنندگان در قالب یک گروه موسیقی قطعات و برنامه‌هایی را که به اتفاق دوستان خود تمرین کرده‌اند، اجرا می‌کنند. درخشانی تا به حال هنرمندان مختلفی را برای حضور در این اردو و برگزاری کلاس‌ها و کارگاه‌های آموزشی با خود همراه کرده است. علی‌اکبر شکارچی، حسن ناهید، حسین عمومی، فرهاد فخرالدینی و هنرمندان دیگری به عنوان مهمان در این پروژه شرکت کرده‌اند. درخشانی همچنین گفت: «برگزاری این اردو در شش سال گذشته نتایج خوبی به دنبال داشته است و ما در پی آن هستیم تا پاییز امسال در یکی از شهرهای حوالی تهران هم چنین اردویی را برگزار کنیم. در حال حاضر به دنبال یک ساختمان بزرگ قدیمی و فضای مناسب می‌گردیم تا این دوره را به اجرا در آوریم.»

گزارشی درباره کنسرت‌های تک‌نوازی در کاخ نیاوران

هوش از سرِ ما رفت

مرضیه رسولی

جمعیت خسته است. نوازنده چشمانش را بسته است. تک‌نوازی ادامه پیدا می‌کند. مضراب بر سیم‌های تار فرود می‌آید. نغمه‌ها از گوشه‌ای به گوشه دیگر در حرکت هستند، اما فضا سنگین است. عده‌ای لحظه‌شماری می‌کنند تک‌نوازی تمام و گروه‌نوازی شروع شود. انتظار به سر می‌آید و صدای سازها در هم آمیخته و گاه گم می‌شود. خواست مخاطبان تا حدودی برآورده شده است. قطعات آوازی و تک‌نوازی‌ها در کنسرت به حداقل ممکن رسیده است: «آنچه شما خواسته‌اید.» جمله‌ای که اعضای گروه را مجبور می‌کند دست از علاقه خود بردارند. علاقه به ارائه هنر فردی، بداهه‌نوازی و به نمایش گذاشتن توانایی‌هایی که در گروه‌نوازی نمی‌شود آن را ارائه کرد. از همین جاست که آلبوم گروه که تمام قطعات آن تصنیف است، منتشر می‌شود و استقبال مخاطب منجر به ادامه فعالیت آن با همین گرایش. بداهه‌نوازی دیگر به کار نمی‌آید، ساز تنها شنونده‌ای ندارد.

حالا معرفی و احیای هنر تک‌نوازی، هدفی است که انجمن موسیقیدانان نیاوران را بر آن داشته تا برنامه‌ای ترتیب دهد و در چند فاز مختلف تک‌نوازان جوان را به روی صحنه بیاورد. شاید این برنامه انگیزه‌ای باشد برای اینکه از هنر فراموش شده بداهه و تک‌نوازی دوباره استقبال شود. استقبال از طرف هنرجویان و نوازندگانی که سعی دارند جایی در گروه‌های موسیقی پیدا کنند یا بتوانند برای انتشار اثر رضایت ناشری را به دست بیاورند. اما تک‌نوازی و بداهه‌نوازی در ناشر یا گروهی که تصنیف‌سازی می‌کند و دوست دارد دل مخاطب را به دست بیاورد، چه انگیزه‌ای ایجاد می‌کند؟ هیچ. کسی دیگر حوصله ندارد ساعت‌ها بنشیند و به صدای ساز تنهای نوازنده گوش دهد. آنها هم که حوصله‌اش را دارند، شنیدن آثار قدما را ترجیح می‌دهند که به قولشان هم اصیل‌تر بود، هم پراحساس‌تر و ناب‌تر. از دل می‌آمد و بر دل می‌نشست. مجید درخشانی نوازنده و آهنگسازی که هنوز صدای سازش از دل برمی‌آید می‌گوید که خودش هم از تک‌نوازی فاصله گرفته و روی بخش دیگری به اسم گروه‌نوازی متمرکز شده است. او در برنامه انجمن موسیقیدانان نیاوران که شامل تک‌نوازی جوانان و موسیقیدانان باتجربه‌تر در کنار هم است، مسئولیت دارد به نمونه‌های صوتی که علاقه‌مندان به شرکت در این برنامه می‌فرستند، گوش دهد، بهترین‌ها را انتخاب کند تا آنها بعد از امتحان حضوری، برای اجرای موسیقی به کنسرت‌های تک‌نوازی راه پیدا کنند. برنامه‌ها از نیمه دوم مردادماه در سالن اختصاصی کاخ نیاوران شروع می‌شود و هر دو هفته یک‌بار کنسرتی در دو شب اجرا خواهد شد. هر کنسرت شامل دو بخش است. در بخش اول سه نوازنده جوان و در بخش دوم موسیقیدانان شناخته شده برنامه اجرا می‌کنند. اولین برنامه در بخش بزرگان، به اجرای مسعود شعاری اختصاص دارد و هر دو هفته یک بار به ترتیب مجید درخشانی، علی‌اکبر شکارچی نوازنده کمانچه، اردشیر کامکار نوازنده کمانچه و پشنگ کامکار نوازنده سنتور تک‌نوازی می‌کنند. نوازنده تمام سازهای ردیف دستگاهی می‌توانند نمونه‌های صوتی خود را به انجمن موسیقیدانان نیاوران بفرستند. آنها باید با ردیف آشنایی داشته باشند و حداقل یک یا دو دستگاه را که در آن بداهه‌نوازی و تک‌نوازی می‌کنند، کاملاً بشناسند. هنوز برای ارسال اثر دیر نشده است، چرا که قرار است این پروژه ادامه پیدا کند و انگیزه‌ای باشد برای مخاطب و نوازندگان.

مجید درخشانی می‌گوید: «کسانی را انتخاب می‌کنیم که نوازندگی‌شان به شیوه قدما نزدیک باشد اما بیان امروز هم در کارشان وجود داشته باشد. می‌خواهیم یک بار دیگر موسیقی ردیف دستگاهی را مطرح کنیم. هنری که کم‌کم در حال فراموشی است. جوانان بداهه‌نوازی می‌کنند اما بر معیارها و ضوابط منطبق نیست. اصول جمله‌بندی در موسیقی را یاد نگرفته‌اند و برای همین به تک‌نوازی قدما مراجعه می‌کنند. تک‌نوازی‌هایی که شنیده می‌شود، مربوط به گذشته است. تک‌نوازی‌های برنامه گل‌ها و ضبط‌های خانگی برای جوانان تبدیل به درس شده‌اند.»

برای اینکه از کار جوانان استقبال شود، هنرمندان شناخته شده‌تر هم در کنار آنان قرار می‌گیرند و به اجرای برنامه می‌پردازند. اگرچه خیلی از این موسیقی‌دانان سال‌ها است که تک‌نوازی را کنار گذاشته‌اند: «بسیاری از قدما و حتی هم‌دوره‌های ما می‌گفتند ما دیگر تک‌نوازی نمی‌کنیم. آنها سال‌های سال است که در استودیوها و گروه‌های مختلف ساز می‌زنند و می‌گویند آمادگی تک‌نوازی نداریم. اما بالاخره چند نفر راضی شدند.» جمله‌بندی در موسیقی ایرانی به پریشان‌گویی افتاده است. این را هم مجید درخشانی می‌گوید. او به این اعتقاد ندارد که مردم دیگر تک‌نوازی را دوست ندارند: «تک‌نوازی مثل سخنرانی است که از اول باید موضوعی داشته باشد و با بیانش شنونده را به اوج برساند.» برای شرکت در برنامه تک‌نوازی‌های کاخ نیاوران محدودیت سنی وجود ندارد. اما اولویت با کسانی است که نتوانسته‌اند کارشان را عرضه کنند.

سازمان میراث فرهنگی با خرید نیمی از بلیت هر اجرا به این برنامه‌ها کمک می‌کند. ماهنامه فرهنگ و آهنگ هم قصد دارد گزیده اجراها را به صورت سی‌دی منتشر کند و اگر در کنار کنسرت‌ها مقاله‌هایی ارائه شود یا جلسات پرسش و پاسخ برگزار شود، مباحث در بوکلت این سی‌دی گنجانده خواهد شد.

ضبط اجراها به صورت زنده است و شاید برگزارکنندگان جلسات پژوهشی هم ترتیب دهند.

اگر در فازهای بعدی از این پروژه حمایت نشود، برنامه‌های تک‌نوازی متوقف نخواهد شد. این برنامه به گفته برگزارکنندگان آن مثل جشنواره تک‌نوازان که در فرهنگسرای ارسباران برگزار شد یا تک‌نوازی‌های فرهنگسرای نیاوران نیست که یک بار برای همیشه باشد. انجمن موسیقیدانان نیاوران این پروژه را ادامه می‌دهند تا زمینه‌ای فراهم شود که هر دو هفته یک بار جوانان بتوانند برای عموم تک‌نوازی کنند. همه اینها البته مثل برگزاری دیگر کنسرت‌ها، به خیلی چیزهای دیگر وابسته است. به اینکه کاخ نیاوران تا چه زمان برای این برنامه سالن در اختیار انجمنش می‌گذارد، مردم چقدر از آن استقبال می‌کنند و وزارت ارشاد برای دادن مجوز اجرا چقدر همه چیز را معطل نگه می‌دارد.

اولین اجراها ۲۰ و ۲۱ مرداد شروع می‌شود و تا آخر شهریور با برگزاری ۵ کنسرت ادامه پیدا می‌کند.

همه اینها برای این است که بداهه‌نوازی و تک‌نوازی از پریشان‌گویی‌هایش دست بردارد و در بین صداهای تازه‌ای که به گوش می‌رسد و هوش از سر ما می‌برد و گاه گوش‌ها را آزار می‌دهد، به حیات خود ادامه دهد. حیاتی که تاکنون پرافتخار بوده است.

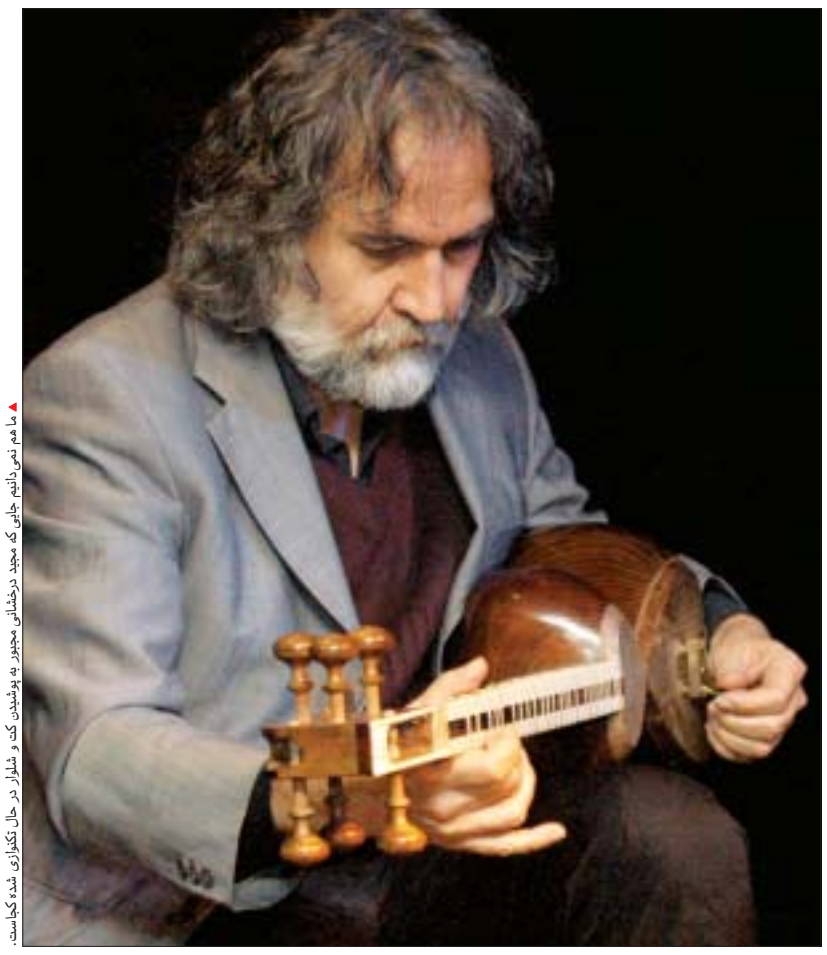

▲ ما هم نمی‌دانیم جایی که مجید درخشانی مجبور به پوشیدن کت و شلوار در حال تک‌نوازی شده کجاست.

پژواک‌های درخشان

نگاهی به آثار ژرار گریسی و موسیقی اسپکترال

علیرضا امیرحاجبی

موسیقی اسپکترال همواره ارجاعی به الگوهای درک شنیداری مخاطب دارد.

ایده سه‌گانه و تکرار شونده: توقف، امتداد و بازیابی آرامش همواره به وسیله آهنگسازان معاصر مورد توجه، بازسازی و بررسی قرار گرفته است. اما این الگو در موسیقی اسپکترال نقش ویژه‌ای دارد. قطعه «Tempus ex Machin» (۱۹۷۹) برای شش سازکوبه‌ای به شکلی کامل ایده‌های زیباشناختی گریسی را با توجه به منشاء روانی عمل شنیدن نمایان می‌کند. منابع همیشگی آثار گریسی «پدیده‌های طبیعی» هستند. در این نگرش فضاسازی صوتی حرکات وسیع کشش (امتداد)، آرامش با تنفس طبیعی و متناوب انسانی (دم و بازدم) و سایر اشکال ریتمیک مانند راه رفتن، خندیدن، تپش قلب و... مطابقت دارد. به عنوان مثال، قطعه «مشتقات» با کوک کردن ساز ها آغاز می‌شود. در «روز، مخالف- روز» ۷۹-۱۹۷۸ (Jour-Jour, Contre) قطعه‌ای برای ارگ الکترونیک، ۱۳ نوازنده، باند مغناطیسی، آغاز و پایان با یک نت آرام و بسیار طولانی شکل می‌گیرد که تداعی‌کننده کف‌زدن، تشویق و صدای جمعیت است. در قطعه «سیاهی ستاره» ۱۹۸۹ (LeNoire de Letoile) برای شش ساز کوبه‌ای، چیدمان و تنظیم در گرداگرد شنوندگان، باند مغناطیسی و پخش صدا؛ گریسی ضربان‌های تنظیم شده‌ای را با فاصله گذاری دقیق به مانند تپش طراحی می‌کند.

«روز، مخالف - روز» با ارائه شکلی ساده از حرکت و زمان موسیقایی توانست ایده آهستگی و عملکردهای این خصوصیت را در موسیقی نوین به نمایش گذارد.

این قطعه بعد از در اختیار قرار دادن امکان استفاده از سادگی و آهستگی و با پرهیز از تکرار، مفهوم تقطیع و تضاد را زنده می‌کند و به شنونده اجازه می‌دهد تا از حافظه‌اش جهت گوش کردن به موسیقی استفاده نماید البته بدون بازگشت به امر واقع و نه مانند موسیقی تونال که از الگوهای ریتم، ملودی و عملکردهای تماتیک برای یادآوری مخاطب استفاده می‌کنند.

برای جلوگیری از افتادن در چنین دامی گریسی عناصر ابژکتیو موسیقی خود را کاهش می‌دهد. بدین شکل الگوهای صوتی به وسیله شنونده عمیق‌تر درک شده و در حافظه جای می‌گیرد.

اگر گسترده کردن اسپکترال یک صوت باعث پراکنش در زمانی بی‌نهایت آرام شود، شنونده می‌تواند با توجه به زمانبندی‌های گوناگون به شکل انتخابی عمل شنیدن را معطوف به بخش مشخصی کند. در اینجا عمل شنیدن همراه است با فیلترهایی ذهنی - روانی جهت تبدیل و تغییر توجه از یک بعد به بعد دیگر (ابعادی چون استمرار، شتاب، دامنه صوتی، سرعت و لایه‌های گوناگون اسپکترال).

این دیدگاه برابر است با: به رسمیت شناختن وجوه روانی مخاطب و ایجاد ارتباط با بخش ذهنی او که تا به آن روز جدی گرفته نشده بود و گریسی آن را آکوستیک روانی می‌نامید. شنونده در چنین وضعیتی، فعالانه بین عمل شنیدن، تمرکز ذهنی، یادآوری‌ها و قرارگیری در اتمسفری که آهنگساز برای او آماده کرده در حرکت است.

الگوهای آکوستیک گریسی امروزه مورد توجه و استفاده آهنگسازان قرار می‌گیرد. منابعی فوق‌العاده دقیق که پیوند مباحث موسیقی و علم فیزیک صوت را نمایان کرده است.

نگرش اسپکترال نه براساس مدهای روزمره و کوتاه‌مدت، بلکه براساس درک موقعیت انسان و طبیعت شکل گرفته است. ژرار گریسی با آفریدن بیش از ۴۰ اثر اسپکترال و تالیف صدها مقاله و کتاب و برگزاری سخنرانی‌های متعدد سعی بر پرکردن یا کم کردن فاصله - شکاف بین علم و هنر را داشت. هر چند که مدت این تلاش کوتاه بود اما میراث وی تا به امروز به شکل مطلوبی حفظ و گسترش یافته است.

بخش پایانی

موسیقی پل

گزارشی در باره تبدیل کردن یک پل به ساز کوبه‌ای

روز سه‌شنبه ۱۸ جولای، یک آهنگساز اهل بیکن با استفاده از یک کامپیوتر دستی و پل واقع بر رود هادسن نیویورک به ضبط صداهای حاصل از ضربه چکش بر بدنه پل پرداخت. یک متخصص صدابرداری و گروهی چهارنفره از مسئولان حفظ و نگهداری پل نیویورک به این آهنگساز که جوزف برتولوتزی نام دارد کمک کردند تا بتواند ادعای خود را مبنی بر تبدیل کردن پل به یک ساز کوبه‌ای عظیم و استفاده از آن در جشن سال ۲۰۰۹ رود هادسن عملی کند. ۱۴۴ «طناب» این شاهراه معلق را که روزانه ۴۰/۰۰۰ اتومبیل از روی آن می‌گذرد، بر روی رودخانه نگه داشته‌اند و روز سه‌شنبه ۱۶ عدد از آنها برای نصب میکروفن‌هایی به کار رفت که برتولوتزی شخصاً به کار نصب آنها نظارت داشت. میکروفن‌ها نزدیک انتهای هر یک از این طناب‌های ۱۵۰ پایی (حدود ۴۶ متر) که در واقع از فولاد ساخته شده‌اند، نصب شده‌اند. در ابتدا هر میکروفن در میانه طناب‌های معلق نصب شده بود اما این محل بعداً تغییر کرد زیرا ارتفاع در این کار عاملی ضروری نبود. این میکروفن‌ها طوری طراحی شده‌اند که تنها لرزش را ضبط کنند و سر و صدای ناشی از ترافیک را حذف نمایند.

چهارشنبه ۱۹ جولای برتولوتزی به اتفاق ران کانکه صدابردار و مسئولان پل با تجهیزات ضبط و سازهای کوبه‌ای به این مکان باز می‌گشتند. آنها از ارتفاع ۱۳۵ پایی (۴۱ متری) به سمت پایین فرود می‌آیند تا به پایه پل رسیدند. برتولوتزی امیدوار است که در سال ۲۰۰۹ با گروهی ۱۶نفره از نوازندگان سازهای کوبه‌ای به این محل بیاید و در واقع باقی سازها را به کنار این «ساز» عظیم آورده و به سه مناسبت مرتبط با رود هادسن، به نواختن بپردازد. این مناسبت‌ها عبارتند از: چهارصدمین سالگرد عبور هنری هادسن دریانورد انگلیسی از این رود که بعدها به نام او شناخته شد، دویستمین سالگرد عبور اولین کشتی بخار ساخته رابرت فالتن از رود هادسن و همچنین چهارصدمین سال کشف دریاچه شمپلین توسط کاشف فرانسوی ساموئل دو شمپلین.

این سه مناسبت همه در سال ۲۰۰۹ و تحت نظر کمیته جشن چهارصدمین سال هادسن-فالتن-شمپلین جشن گرفته می‌شوند. ستاد این کمیته در آلبانی (مرکز ایالت نیویورک) قرار دارد و رویدادهای جالب این فستیوال در مسیر شهر نیویورک تا آلبانی برقرار خواهند بود. برتولوتزی قصد دارد که مردم رویداد مربوط به او را از طریق بلندگوها و صفحه‌های نمایش ویدیویی در پارک واریاس Waryas واقع در شهر پوکیپسی Poughkeepsie در میانه راه نیویورک و آلبانی مشاهده کنند.

برتولوتزی با در کنار هم قرار دادن قطعاتی از مجموعه اصوات پل که در این هفته جمع آوری کرده است، یک قطعه موسیقی خواهد ساخت و از این قطعه برای افزودن به تراکم سازی برنامه سال ۲۰۰۹ خود استفاده خواهد کرد.

باربارا فراتیانی مدیر اجرایی پروژه چهارصدمین سال هادسن- فالتن- شمپلین که در رابطه با پیشنهاد برتولوتزی با او در تماس بوده است می‌گوید: «ما هنوز باید صبر کنیم و ببینیم [نتیجه چه می‌شود] اما من از اینکه آقای برتولوتزی به این کار دست زده و به دنبال دست یافتن به رویای خود است بسیار خوشحالم. ما مشتاقانه منتظر نتیجه هستیم» دنیس هاینز که در بخش نگهداری پل کار می‌کند، در درون یک سبد بزرگ قرار گرفت و تا ارتفاع ۷۵ پایی (حدود ۲۳ متر) از روی پل بالا برده شد. او در آنجا با یک پتک ضرباتی بر طناب معلق فرود آورد. آن پایین، برتولوتزی در پیاده روی جنوبی پل ایستاده بود و با یک گوشی به صوت ایجاد شده گوش می‌داد. این صدا چیزی شبیه صدای قدم زدن دارت ویدر Darth Vader، مظهر شر در فیلم‌های جنگ‌های ستاره‌ای Star Wars درون یک غار بود.

دو جلسه ضبط صدای برتولوتزی بر روی پل ۳۰۰۰ پایی (۹۱۵ متری) هادسن که در سال ۱۹۳۰ با هزینه ۵/۹ میلیون دلار ساخته شده است، شامل ضربه‌هایی بر نرده‌های دورتا دور، سیم‌های حفاظ، محورها، شبکه‌های فولادی و تیرهای حمال نیز بود. به گفته او: «واقعاً کار نشاط‌آور و بسیار مفرحی است. عالی است. اصلاً زندگی همین است.» عملیات برتولوتزی به‌رغم حرکات رقص‌مانندش مورد توجه سرنشینان اتومبیل‌ها واقع نشد و ظاهراً تنها برای چند موتورسوار و رهگذران اندک جذابیت داشته است. اما همه، نه تنها کار او را ستایش کرده‌اند بلکه از همکاری مقامات برای انجام چنین پروژه بلندپروازانه‌ای بسیار متعجب شده‌اند. مارک شیدی Mark Sheedy سخنگوی مقامات مربوطه گفته است: «این تقریباً همان چیزی است که انتظار دیدنش را داشتیم، اما مهم این نیست که چه می‌بینیم، بلکه آنچه می‌شنویم مهم است».

منبع: سایت گفت‌وگوی هارمونیک

خبرها

سرگذشت موسیقی علمی در ایران

بی‌بی‌سی: آغاز آشنایی ایرانیان با موسیقی علمی یا چندسرایی به ۱۵۰ سال پیش برمی‌گردد. ناصرالدین‌شاه در سفرش به فرانسه یا آنچه در آن ایام «فرنگ» خوانده می‌شد به موسیقی نظام علاقه‌مند شد و از مقامات وقت فرانسوی خواست تا نظامیان ایران را نیز با این نوع موسیقی که هنگام رژه یا سلام‌های رسمی نواخته می‌شد آشنا کند. آموزش موسیقی نظامی در مدرسه دارالفنون که به همت امیرکبیر صدراعظم نامدار ایران ساخته شده بود، توسط یک افسر فرانسوی به نام «لومر» آغاز شد و رفته‌رفته به یک رشته آموزشی تبدیل شد. فارغ‌التحصیلان این رشته، بعدها رهبری دسته‌های موسیقی نظام را به عهده گرفتند. با آغاز مشروطیت و آشنایی بیشتر ایرانیان با تحولات دنیای غرب و بازگشت تعدادی از تحصیلکرده‌های ایران از کشورهای خارج، موسیقی علمی غربی در ایران رونق بیشتری گرفت. مدرسه موسیقی تاسیس شد و آموزش موسیقی علمی، ابتدا به صورت سرود و سپس به صورت یک رشته درسی در هنرستان موسیقی تدریس شد. در این میان آهنگسازان ایرانی به صرافت تلفیق این موسیقی با موسیقی سنتی ایرانی افتادند و موسسه‌ها و انجمن‌هایی نظیر انجمن فیلارمونیک تهران به اشاعه بیشتر موسیقی اروپایی در ایران کمک کردند. بعد از وقفه کوتاهی در جریان جنگ جهانی، با مراجعت فارغ‌التحصیل‌های ایرانی رشته‌های موسیقی و آواز به ایران، این رشته رونق بیشتری گرفت و گروه‌هایی برای اجرای اپرا و تشکیل دسته‌های کر به وجود آمد. در وزارت فرهنگ، اداره کلی برای توسعه امور فرهنگی به وجود آمد و با تاسیس وزارت فرهنگ و هنر و تالار رودکی، ایران دارای ارکستر سمفونیک و سازمان اپرا شد و ارکستر مجلسی برای رادیو تلویزیون ایران در نظر گرفته شد. مدرسه‌ای برای تربیت خوانندگان اپرا تاسیس شد و چند ارکستر مختلف در وزارت فرهنگ و هنر به وجود آمد. به طوری که در پنج، شش سال آخر پیش از انقلاب، ایران به یکی از مراکز عمده موسیقی در آسیا مبدل شده بود. چهره‌های سرشناسی چون یهودی مینوهین، نوری‌اف و یا مارگولا فونتن به ایران دعوت شدند و گروه‌ها و ارکسترهای معتبر جهان مثل ارکستر سمفونیک برلین به رهبری فون کاریان در تالار رودکی هنرنمایی کردند.

کنسرت گروه موسیقی نور در فرانسه و اتریش

میراث خبر: گروه موسیقی نور در جشنواره «آواها و جاده‌های قرون وسطی» فرانسه به اجرای موسیقی می‌پردازد. کریستف رضاعی سرپرست گروه در این‌باره گفت: «گروه ۹ نفره نور برای حضور در جشنواره‌ای در شهر استراسبورگ دعوت شده است. ما در این گروه بخش‌هایی از قطعات آلبوم موسیقی آلبا و قطعات تازه‌ای را اجرا می‌کنیم.» رضاعی ادامه داد: «اعضای ایرانی گروه موسیقی نور یک ماه بعد از آخرین کنسرتی که در فرانسه اجرا شد، تمرینات خود را آغاز کردند. بعد از آن رپرتوارهای تازه‌ای را امتحان کردیم و داریم روی آنها کار می‌کنیم. بعد هم این رپرتوارها را برای نوازندگان فرانسوی گروه می‌فرستیم و آنها هم روی آن تمرین می‌کنند. یکی دو روز مانده به اجرا وقتی اعضا دور هم جمع می‌شوند نیز، تمرینات گروهی ما آغاز می‌شود.» همچنین این گروه ۹ نفره که متشکل از نوازندگان ایرانی و فرانسوی است، ۲۱ نوامبر (سی‌ام آبان‌ماه) کنسرتی در اتریش برگزار می‌کند. در این کنسرت نیز قطعات آلبوم موسیقی آلبا و قطعات جدید اجرا می‌شود. سرپرست گروه در تلاش است تا شرایط اجرای کنسرت در تهران را نیز فراهم کند. او در این باره می‌گوید: «اگر بخواهیم در تهران برنامه اجرا کنیم، باید هزینه و شرایط اقامت گروه را فراهم کنیم. از سوی دیگر کارگاه‌ها و کلاس‌هایی برای خوانندگان فرانسوی و فلوت بگذاریم.» آلبوم موسیقی آلبا تنها آلبوم موسیقی این گروه است که در سرسرای اصلی کاخ اردشیر بابکان در استان فارس ضبط شده است. رضاعی درباره تکرار این تجربیات گفت: «ما درصدد هستیم که باز هم چنین تجربه‌ای را تکرار کنیم. اما کجا و در چه شرایطی هنوز مشخص نشده است.»

پاواروتی باز می‌گردد

ایلنا: «لوچیانو پاواروتی» خواننده اپرا گفت که با وجود عمل جراحی اخیرش در سال ۲۰۰۷ به صحنه باز می‌گردد. این خواننده ۷۰ ساله در مصاحبه‌ای با روزنامه ایتالیایی «استمپا» گفت: شخصاً قصد دارم باز هم به صحنه و خوانندگی باز گردم، باید قبل از هر چیز با پزشکانم مشورت کنم، اما به گمانم از سال آینده شروع خواهم کرد. «پاواروتی» اوایل این ماه قصد داشت، به‌خاطر این عمل جراحی، مابقی کنسرت‌های تور خداحافظی‌اش را لغو کند. پزشکان زمانی توده سرطانی او را تشخیص دادند که وی در شرف ترک آمریکا و آغاز مجموعه کنسرت‌هایش در انگلستان بود. «پاواروتی» در پاسخ به خبرنگار «استمپا» که احوالش را جویا شده بود، گفت: بهترم، بهتر. بالاخره به خانه‌ام برگشتم، بالاخره از بیمارستان مرخص شدم. نمی‌توانم بگویم. احساس فوق‌العاده‌ای است. این خواننده همچنین گفت: دوست دارد طی هفته‌های آتی به ایتالیا باز گردد و روند بهبودی‌اش را در آنجا ادامه دهد. او طبق برنامه قبلی‌اش در ماه سپتامبر (شهریورماه) در فنلاند، نروژ، اتریش، سوئیس و پرتغال کنسرت دارد. پاواروتی سال گذشته و پس از اعلام بازنشستگی، تور وسیع جهانی‌اش را آغاز کرد. اما به کرات و به دلیل بیماری‌های متعدد دچار توقف شده است.